

جایگاه مصلحت نظام در اندیشه حکومتی امام خمینی (ره)

نادر میرزاده کوهشاهی^۱

حسن فارسی^۲

چکیده

هدف این مقاله کنکاش برای پی بردن به جایگاه مصلحت نظام در اندیشه حکومتی امام خمینی (ره) بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی است. روش اتخاذ شده در این تحقیق توصیفی و تحلیلی و روش گردآوری داده‌ها نیز کتابخانه‌ای و استفاده از اسناد مکتوب می‌باشد.

امام خمینی (ره)، معتقد بودند که ولی فقیه با دارا بودن اختیارات حکومتی پیامبر اکرم (ص)، اختیار صدور حکم حکومتی را دارد. از آنجا که ملاک صدور حکم حکومتی توجه به مصلحت جامعه است، بنابراین مصلحت جامعه و مصلحت نظام در دیدگاه امام (ره) از جایگاه مهمی برخوردار است. از دیدگاه ایشان توان تشخیص مصلحت از اهم ویژگی‌های رهبری است و لکن می‌توان در بررسی و تشخیص مصلحت از کارشناسان ذی‌ربط استفاده نمود.

با عنایت به جایگاه مهم مصلحت نظام در اندیشه حکومتی امام خمینی (ره)، ایشان با تأکید بر لزوم توجه به مصلحت نظام از سوی مقامات نظام و آحاد مردم، خود بیش و پیش از همه به این امر عنایت داشتند و حیاتی‌ترین تصمیمات دوران رهبری خویش را با توجه به مصلحت نظام اتخاذ نمودند. از جمله موارد بارز در این خصوص می‌توان به تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام، پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و کنار گذاشتن قائم مقام رهبری، توسط ایشان اشاره نمود.

با توجه به این مطالب می‌توان نتیجه‌گیری نمود که بدون شناخت جایگاه مصلحت در اندیشه حکومتی امام خمینی (ره) نمی‌توان به برداشت درستی نسبت به تصمیمات حکومتی امام (ره) و به عبارتی حقیقت تصمیمات سیاسی - حکومتی ایشان نایل شد.

واژگان کلیدی: اندیشه حکومتی، امام خمینی (ره)، مصلحت نظام، حفظ نظام

۱ - دانشجوی دکتری حقوق عمومی پردیس قم دانشگاه تهران؛ nadermirzade@yahoo.com

۲ - عضو هیأت علمی جهاددانشگاهی واحد تهران؛ farsi20@gmail.com

مقدمه

مصلحت به معنای منفعت یا مد نظر قرار دادن آنچه موجب منفعت یا دفع ضرر است، از مفاهیم کلیدی زندگی بشری است که در ابعاد فردی و اجتماعی مورد توجه انسان‌ها بوده، هست و خواهد بود و این امری عقلایی است. اگرچه افراد با توجه به اعتقادات، ارزش‌ها و اهداف متفاوتی که دارند تعریف خاص خود را از منفعت و مصلحت داشته باشند. در دین مبین اسلام هم که مکتبی جامع و ابدی است به مصالح فرد و جامعه توجه شده است. در این میان بررسی اندیشه حکومتی امام خمینی (ره) به عنوان یک اسلام‌شناس که علاوه بر طرح مباحث نظری در عمل هم با هدف مصلحت جامعه و نظام، تصمیماتی اتخاذ نموده‌اند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد.

پس از قرن‌ها امام خمینی (ره) به عنوان یک فقیه شیعی، موفق به برپایی حکومت اسلامی گردید و رهبری این حکومت را نیز بر عهده داشت و در دوره رهبری خود تصمیمات سرنوشت‌سازی را اتخاذ نمود. در این جا این پرسش قابل طرح است که مصلحت نظام و جامعه چه جایگاهی در اندیشه حکومتی امام خمینی (ره) داشته است؟

در مقاله حاضر سعی می‌شود به این پرسش پاسخ داده شود. برای این منظور در ابتدا کلیاتی در خصوص تعریف و انواع مصلحت، مصلحت و قانونگذاری، حفظ نظام و مصلحت نظام (بند ۱) بیان می‌شود، در ادامه جایگاه حفظ نظام و مصلحت نظام در اندیشه حکومتی امام (ره) (بند ۲) مورد بررسی قرار گرفته و در تکمیل آن به موضوع تشخیص مصلحت نظام از دیدگاه امام (ره) (بند ۳) پرداخته می‌شود و در نهایت از مباحث مطرح شده نتیجه‌گیری به عمل خواهد آمد.

۱- کلیات

۱-۱- تعریف و انواع مصلحت

۱-۱-۱- تعریف مصلحت

تعریف مصلحت در لغت‌نامه دهخدا چنین است: «مصالح جمع مصلحه: نیکی‌ها و جمع مصلحت به معنای صلاح و خیر کار، آنچه موجب آسایش و سود باشد. مصالح معاش و معاد: چیزهایی که خیر و مصلحت دنیا و آخرت با آن توأم است. مصالح ضد مفاسد، جمع مصلحت: کارهایی که به خیر و صلاح مردم است، آن چه خیر و مصلحت کار بر آن مربوط است» (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۱۸۵۴۱). در فرهنگ فارسی معین مصلحت به معنای آنچه که صلاح و سود شخص یا گروهی در آن باشد، خیراندیشی و کار نیک ذکر شده است (معین، ۱۳۸۲، ص ۴۱۷۶). از دیدگاه یکی از اندیشمندان عرب:

مصلحت از حیث معنا و وزن همانند «منفعت» است. مصلحت مصدر و به معنی «صلاح» می‌باشد. همان‌گونه که واژه منفعت مصدر و معنای آن نفع است. مصلحت همچنین می‌تواند به عنوان «اسم» به کار رود که در این صورت دلالت بر یکی از مصالح دارد. مؤلف لسان‌العرب هر دو معنای مصلحت را

مورد توجه قرار داده است، آن‌جا که می‌نویسد: «مصلحت به معنی صلاح است و به معنای یکی از مصالح نیز کاربرد دارد».

پس هر آن چیزی که در آن نفعی باشد، چه نفع تحصیلی - یعنی آنچه که برای کسب آن اقدام می‌شود - و یا نفع دفعی - یعنی آنچه که از طریق دفع و یا دوری از رنج‌ها و بدی‌ها به انسان می‌رسد - در ذیل عنوان مصلحت می‌آید.

اما معنای اصطلاحی مصلحت مطابق آنچه که اندیشمندان اسلامی تعریف نموده‌اند، عبارت است از: منفعتی که شارع حکیم برای بندگانش خواسته است. این منافع مشتمل بر حفظ دین، جان، عقل، نسل و اموالشان - به ترتیب اولویت - می‌باشد. (بوطی، ۱۳۸۳، ص ۱۹)

۱-۱-۲- مصلحت ثابت و متغیر

۱-۱-۲-۱- مصلحت ثابت

ملاک تقسیم مصلحت به ثابت و متغیر، تغییرپذیری یا تغییرناپذیری آن‌ها مطابق با مقتضیات زمان و مکان است. «مصلحت ثابت، مصلحتی همیشگی است که با مرور زمان و تحولات ایام دستخوش تغییر و تحول نمی‌گردد» (تقوی، ۱۳۸۳، ص ۱۹). احکامی که بر اساس این نوع مصالح صادر می‌شوند نیز ثابت و غیر متغیرند.

۱-۱-۲-۲- مصلحت متغیر

«مصلحت متغیر، مصلحتی است که همیشگی نبوده و به اقتضای زمان و مکان وجود دارد» (همان، ص ۴۰). احکامی که بر اساس مصالح متغیر وضع می‌شود نیز متغیرند و وجود آن‌ها وابسته به وجود مصلحتی است که بر آن مبنا وضع شده‌اند.

۱-۲- مصلحت و قانونگذاری

۱-۲-۱- تعریف احکام اولیه، احکام ثانویه و احکام حکومتی

۱-۲-۱-۱- احکام اولیه

منظور از احکام اولیه، «احکامی است که شارع مقدس بر طبق مصالح و مفاسدی که در ذات موضوع قرار دارد آن‌ها را صادر نموده است ... و این صدور حکم بدون توجه و لحاظ حالات استثنایی (چون اضطرار، عسر و حرج ...) است که بر مکلف عارض می‌شود» (همان، ص ۴۵). به بیان دیگر «حکمی که بر یک موضوع در حالت طبیعی آن مترتب می‌شود "حکم اولی" نام دارد.» (ارسطا، ۱۳۸۰، ص ۵۸).

۱-۲-۱-۲- احکام ثانویه

«احکام ثانویه احکامی است که با لحاظ وضعیت خاص و استثنایی‌ای که مکلف با آن مواجه می‌شود صادر می‌گردد» (تقوی، ۱۳۷۸، ص ۴۵). به بیان دیگر «حکمی که در حالت غیرطبیعی یا استثنایی موضوع بر آن مترتب می‌گردد "حکم ثانویه" نامیده می‌شود» (پیشین، ص ۵۸).

۱-۲-۱-۳- احکام حکومتی

در تعریف احکام حکومتی گفته شده است که: احکام حکومتی عبارت است از فرمان‌ها و دستورالعمل‌های جزئی، وضع قوانین و مقررات کلی و دستور اجرای احکام و قوانین شرعی که رهبری مشروع جامعه، با توجه به حق رهبری که از جانب خداوند متعال یا معصومان علیه‌السلام به وی تفویض گردیده است - و با لحاظ مصلحت جامعه صادر می‌کند. (صرامی، ۱۳۸۰، ص ۴۷)

در توضیح احکام حکومتی علامه طباطبایی می‌فرماید:

ولی امر مسلمین می‌تواند یک سلسله تصمیماتی بر حسب مصلحت وقت گرفته، طبق آن‌ها مقرراتی وضع نماید و به موقع اجرا گذارد. مقررات نامبرده لازم‌الاجرا و همانند مقررات شریعت دارای اعتبار است با این تفاوت که قوانین آسمانی ثابت و غیرقابل تغییر است ولی مقررات موضوعه قابل تغییر و در ثبات و بقا تابع مصلحتی می‌باشد که آن‌ها را به وجود آورده است و چون پیوسته زندگی جامعه انسانی در تحول و رو به تکامل است، طبعاً این مقررات تدریجاً تبدیل و تغییر پیدا کرده و جای خود را به احکام بهتر می‌دهد. (پیشین، ص ۶۲)

۱-۲-۲- مصلحت و احکام اولیه و احکام ثانویه

در اسلام و از دیدگاه تشیع رعایت مصلحت در احکام اولیه پذیرفته شده است. در واقع «مصلحت، عنصر اساسی فلسفه قوانین و احکام است و این امری است که مورد اتفاق جمیع مذاهب اسلامی است؛ حتی اشاعره که منکر حسن و قبح ذاتی هستند مصلحت را پذیرفته‌اند و این انکار آن‌ها به معنای نادیده گرفتن جعل احکام بر اساس مصلحت نیست.» (شریعتی، ۱۳۸۰، ص ۳۳)

در خصوص رابطه مصلحت و احکام ثانویه هم باید توجه داشت که:

قواعدی که در فقه برای اثبات احکام ثانوی مورد استفاده قرار می‌گیرد بدون استثنا مبتنی بر مصلحت می‌باشد و رکن اصلی این مورد بر مصلحت شخصی یا نوعی استوار است. به طوری که عناوین این قواعد مانند «لاضرر»، «لاخرج»، «الاهم فالاهم»، «تقدم فاسد بر افسد»، «حفظ نظام» نمادهای از انواع مصلحت هستند که در قالب قواعد فقهی و حقوقی آشکار گردیده است. (عمید زنجانی، ۱۳۸۴، ص ۱۹۹)

در احکام ثانویه، تا هنگامی که حالات و شرایط استثنایی یا غیرطبیعی که از آن به عنوان ثانوی یاد می‌شود وجود داشته باشد، حکم اولی (که موضوع آن عنوان اولی است) منتفی و تعطیل گردیده و حکم ثانوی محقق و برقرار می‌باشد. «در واقع احکام اولیه بر طبق مصلحت و مفسده دایمی و پایدار است و حکم ثانویه بر مبنای مصلحت و مفسده «مادامی» و موقت می‌باشد.» (تقوی، ۱۳۷۸، ص ۴۵)

۱-۲-۳- مصلحت و احکام حکومتی

همان‌گونه که در تعریف احکام حکومتی ذکر شده است احکام حکومتی بر اساس مصالح جامعه اسلامی صادر می‌گردد و عنصر مصلحت در صدور احکام حکومتی نقش اساسی دارد.

بر این اساس می‌توان گفت احکام حکومتی صدور و تنفیذش مشروط به مصلحت است؛ یعنی اگر در حکم حکومتی مصلحت جامعه و دین لحاظ نشود اعتباری ندارد (شریعتی، ۱۳۸۰، ص ۴۷). به استناد مصلحت نظام اسلامی است که می‌توان در قلمرو احکام ولایی و حکومتی به حکم‌سازی موقت و مادام‌المصلحه دست زد و حتی برخی از واجبات کم‌اهمیت را که انجام آن‌ها به اصل حفظ دین و نظام اسلامی لطمه وارد می‌آورد ممنوع یا برخی از محرّمات را که رعایت این مصلحت را به مخاطره می‌افکند لازم‌الاجرا دانست (عمیدزنجانی، ۱۳۸۴، ص ۳۷).

با توجه به تقسیم مصلحت به ثابت و متغیر می‌توان گفت که مبنای صدور احکام حکومتی، مصلحت متغیر است که با تغییر آن مصلحت، باید حکم حکومتی متناسب با مصلحت جدید صادر شود.

۱-۳-۳- حفظ نظام و مصلحت نظام

۱-۳-۱- حفظ نظام

عنوان «حفظ نظام» به دو معنا استعمال می‌شود. گاهی مقصود از آن، حفظ و نگهداری حاکمیت اسلامی و جلوگیری از خدشه‌دار شدن آن به وسیله دشمنان داخلی و خارجی اسلام است که می‌توان عنوان «حفظ بیضه اسلام» را نیز به همین معنا یا دارای معنایی نزدیک به آن دانست. ... گاهی هم مراد از آن، حفظ نظم در درون جامعه اسلامی و برقراری انضباط میان مردم و سازمان‌ها و دستگاه‌های اجتماعی دانست. حفظ نظام در این معنا، در مقابل اختلال و هرج و مرج، استعمال می‌شود. حفظ نظام، در بیش‌تر موارد در معنای دوم به کار رفته است. (کلانتری، ۱۳۷۸، ص ۲۱۱ و ۲۱۲)

۱-۳-۲- مصلحت نظام

در بیان تفاوت مصلحت نظام با حفظ نظام گفته شده که حفظ نظام در مواردی مطرح می‌شود که در صورت بی‌اعتنایی به آن، جامعه اسلامی دستخوش اختلال و هرج و مرج و فساد می‌شود، ولی مصلحت نظام در بسیاری موارد مرتبط به اموری است که رعایت و لحاظ آن‌ها، به نفع و صلاح جامعه است، بی‌آنکه مراعات نکردن آن‌ها موجب اختلال و فساد در جامعه شود (همان، ص ۲۱۷).

اما از آن‌جا که «منظور از نظام اسلامی، سازمان دین، موجودیت و استقرار حاکمیت آن می‌باشد که معمولاً به بیضه اسلام تعبیر می‌شود و در تعبیری دیگر شامل ایدئولوژی و محتوای دین، سازمان‌های عهده‌دار آن، موجودیت عینی دین در جامعه و حالت استیلاجوی حاکم و نفوذ معنوی و اجرایی اسلام در عینیت جامعه می‌باشد» (عمیدزنجانی، ۱۳۸۴، ص ۳۵)، مصلحت نظام در واقع همان مصلحت حفظ نظام اسلامی و تعبیر دیگری از حفظ نظام است و اگر تفکیکی هم بین آن‌ها صورت گیرد، این دو کاملاً با هم پیوند خورده‌اند و حفظ نظام یکی از بزرگ‌ترین مصالح نظام در معنای عام است.

با عنایت به معانی مصلحت می‌توان گفت منظور از مصلحت نظام، هر آن چیزی است که در آن نفعی برای نظام وجود دارد. با توجه به اختلاف مراتب منافع، اهمیت مصالح مختلف نظام نیز می‌تواند متفاوت باشد.

۲- جایگاه حفظ نظام و مصلحت نظام در اندیشه حکومتی امام (ره)

۱-۱- حفظ نظام مبنایی برای تشکیل حکومت اسلامی

امام (ره) حفظ نظام جامعه را واجب و آن را به عنوان یکی از فلسفه‌های تشکیل حکومت اسلامی می‌دانستند. ایشان در این خصوص می‌فرماید:

«احکام اسلامی، اعم از قوانین اقتصادی و سیاسی و حقوقی، تا روز قیامت باقی و لازم‌الاجراست. هیچ یک از احکام الهی نسخ نشده، از بین نرفته است. این بقا و دوام همیشگی احکام، نظامی را ایجاد می‌کند که اعتبار و سیادت این احکام را تضمین کرده، عهده‌دار اجرای آن‌ها شود؛ چه اجرای احکام الهی جز از رهگذر برپایی حکومت اسلامی امکان‌پذیر نیست و در غیر این صورت، جامعه مسلماً به سوی هرج و مرج رفته، اختلال و بی‌نظمی بر همه امور آن مستولی خواهد شد. با توجه به این که حفظ نظام جامعه از واجبات مورد تأکید شرایع الهی است و بی‌نظمی و پریشانی امور مسلمانان نزد خدا و خلق، امری نکوهیده و ناپسند است و پرواضح است که حفظ نظام و سد طریق اختلال، جز به استقرار حکومت اسلامی در جامعه تحقق نمی‌پذیرد، لذا هیچ تردیدی در لزوم اقامه حکومت باقی نمی‌ماند.» (امام خمینی، ۱۳۶۹، ص ۲۳)

۲-۲- اختیار ولی فقیه در صدور احکام حکومتی بر مبنای مصلحت

امام (ره) صدور احکام حکومتی را از اختیارات حکومتی پیامبر اکرم (ص) می‌دانستند. در همین خصوص در کتاب ولایت فقیه ایشان با اشاره به تشکیل حکومت از سوی پیامبر اکرم (ص)، می‌فرماید: پیامبر اکرم (ص) احکام حکومتی را به جریان می‌انداخته است (امام خمینی، ۱۳۸۵، ص ۲۶) و مصداق‌هایی از این احکام حکومتی نظیر اعزام والی به اطراف، نصب قاضی، اعزام سفیر، انعقاد معاهده و پیمان، فرماندهی جنگ را ذکر می‌نماید (همان، ص ۲۶). ایشان همچنین در توضیح این امر که اطاعت از رسول اکرم (ص) غیر از اطاعت از خداوند است می‌فرماید: «اوامر رسول اکرم (ص) آن است که از خود آن حضرت صادر می‌شود، و امر حکومتی می‌باشد. مثلاً از سپاه اسامه پیروی کنید، سرحدات را چطور نگه دارید، مالیات‌ها را از کجا جمع آوری کنید، با مردم چگونه معاشرت نمایید... این‌ها اوامر رسول اکرم است.» (همان، ص ۸۶-۸۷)

امام خمینی (ره) معتقدند که ولی فقیه همان اختیارات حکومتی پیامبر اکرم (ص) را دارد. مثلاً در کتاب ولایت فقیه این‌گونه آمده است: عرض کردم ولایتی را که برای پیغمبر اکرم (ص) و ائمه (ع) می‌باشد، برای فقیه هم هست (همان، ص ۵۲). از این رو، ایشان از همان دوران مبارزه یعنی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی قائل به ولایت مطلقه فقیه بوده‌اند و معتقد بودند که ولی فقیه هم مانند پیامبر اکرم (ص) اختیار صدور حکم حکومتی را دارد. از آن‌جا که ملاک صدور حکم حکومتی مصلحت جامعه است، پس مصلحت جامعه و مصلحت نظام در دیدگاه امام (ره) از جایگاه مهمی برخوردار است.

۲-۳- اهمیت مصلحت نظام از دیدگاه امام خمینی (ره)

یکی از بارزترین عناصر سیاسی در اندیشه امام (ره) که دارای نقش بسیار مؤثر در تجلی آثار این اندیشه می‌باشد عنصر مصلحت است و همین عنصر اصلی است که اندیشه سیاسی ایشان را در مقایسه با اندیشه‌های فقهی مشابه، متمایز می‌سازد. اصل ولایت فقیه در اندیشه امام (ره)، محور اصلی سیاست نظری (اندیشه سیاسی) و سیاست عملی (حکومت) محسوب می‌شود و اثر بارز اصل ولایت فقیه و اختیارات سیاسی برخاسته از آن، همان احکام حکومتی در راستای حل معضلات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نظام می‌باشد. بی‌گمان احکام حکومتی بدون تشخیص مصلحت، موضوعاً و حکماً سامان نمی‌یابد. بدین ترتیب، شاخص اصلی اندیشه سیاسی امام (ره) که ولایت فقیه است به عنصر مصلحت باز می‌گردد و از این عنصر سیاسی سامان بخش، نقش می‌پذیرد (عمیدزنجانی، ۱۳۸۴، ص ۳۵۶) و مصلحت، مدار و محور صدور حکم حکومتی است. (منصورنژاد، ۱۳۷۸، ص ۴۳۶)

برای این که جایگاه مصلحت و مصلحت نظام در اندیشه امام (ره) بهتر مشخص شود مصادیقی از تأکیدات ایشان بر مصلحت و توجه به آن و استناد ایشان به آن با عناوینی چون مصلحت اسلام، مصلحت جامعه، حفظ نظام، مصلحت کشور، مصلحت مملکت، مصلحت نظام و ... ذکر می‌شود:

امام (ره) در تبیین اهمیت مصالح اسلام و لزوم توجه به آن به سیره امیرالمومنین (ع) استناد نموده و فرموده‌اند:

«حضرت امیر بیست و چند سال به واسطه مصالح عالیه اسلام در نماز این‌ها [خلفای ثلاثه] رفت - عرض بکنم که - تبعیت از این‌ها کرد، برای اینکه یک مصلحتی بود که فوق این مسائل بود. سایر ائمه علیهم السلام - هم گاهی مسالمت می‌کردند... مصالح اسلام فوق این مسائلی است که ما خیال می‌کنیم» (صحیفه امام، ج ۳، ص ۲۴۱). «حضرت امیر سلام الله علیه - در بسیاری از اموری که برایش خیلی سخت بود، دندان روی جگر می‌گذاشت و موافقت می‌کرد برای مصالح کلی، برای مصالح اسلام.» (همان، ج ۲۰، ص ۲۳۰)

امام (ره) در زندگی سیاسی خود به طور مکرر از لزوم توجه به مصلحت اسلام یاد نموده‌اند:

«ملت ایران باید بداند که من در کنار آنان تا آخرین نفس برای حفظ قوانین اسلام و مصالح مملکت به مبارزه خود ادامه می‌دهم» (همان، ج ۶، ص ۳). «ما و شما هم مصلحت اسلام را می‌خواهیم و هم مصلحت این اشخاصی که در دارالاسلام زندگی می‌کنند» (همان، ج ۱۳، ص ۱۰۳). «ما دنبال مصالح اسلام هستیم نه دنبال پیشرفت حرف خودمان» (همان، ج ۱۶، ص ۳۵۰). «لازم است همه به طور اکید به مصالح اسلام و مسلمین توجه کنیم» (همان، ج ۱۸، ص ۴۳۱). «من امیدوارم که ان شاء الله ماها توجه به مسائل، توجه به مصالح اسلامی داشته باشیم و روی مصالح عمومی اسلامی، روی مصالحی که ما الآن در کشورمان هست [توجه کنیم]» (همان، ج ۱۹، ص ۱۴)، «و از خدای تبارک و تعالی می‌خواهم که همه ما را بیدار کند و همه مسلمین را بیدار کند، و توجه آن‌ها را به مصالح اسلام و به مصالح مسلمین بیش‌تر بکند» (همان، ص ۵۲). «امروز مصالح اسلامی اقتضا می‌کند که همه ما با هم باشیم» (همان، ص ۶۷). «مسلمان این است که برای

مصالح مسلمین اهمیت قایل بشود. مصلحت یک امت الآن در میان است... مصلحت اسلام است که از همه چیز عزیزتر است» (صحیفه امام، ج ۴، ص ۱۰۹).

امام (ره) معتقد بودند که اسلام مسائلی را که مخالف مصالح نظام بوده نفی نموده است: «اسلام آن چیزهایی را که مخالف با مصالح ملت بوده است، آن‌ها را نفی کرده، آن‌هایی که موافق با مصالح ملت است را اثبات کرده است.» (همان، ج ۵، ص ۲۶۲)

ایشان مصلحت نظام جمهوری اسلامی ایران را به اندازه‌ای مهم می‌دانستند که اقدام بر خلاف مصالح نظام را خیانت می‌دانستند،

«امروز که اسلام و جمهوری اسلامی در دست شما و ما همه ملت ایران امانت است، اگر چنانچه خلاف بکنیم: خلاف مصالح جمهوری اسلامی بکنیم... به این امانت خیانت کردیم» (همان، ج ۱۹، ص ۶۶). «و اگر مصلحت نظام و اسلام سکوت است، دردمندان سکوت کنید که اجر سکوت برای پیشبرد اهداف نظام و اسلام به مراتب بیش‌تر از دفاع اتهام وابستگی است.» (همان، ج ۲۱، ص ۱۵۶)

از دیدگاه امام (ره) مصلحت عمومی و مصلحت نظام بر مصالح اشخاص اولویت دارد:

«حفظ مصلحت عمومی و اسلام مقدم است بر حفظ مصلحت شخص، هر کس که باشد.» (همان، ج ۱۸، ص ۴۶۷)

ایشان در خصوص ضرورت حفظ جمهوری اسلامی می‌فرماید:

«مطرح نظام جمهوری اسلامی است، ما مکلفیم به حفظ او، همه نویسندگان مکلف‌اند به حفظ نظام.» (همان، ج ۲۰، ص ۱۲۷)، «چون مسئله اسلام و حکومت الهی در کار است؛ مسامحه در این امور چه بسا خللی وارد آورد که جبران آن مشکل یا غیر ممکن شود و مسئولیت آن در پیشگاه خداوند بزرگ عظیم باشد. مسئله حفظ نظام جمهوری اسلامی در این عصر و با وضعی که در دنیا مشاهده می‌شود و با این نشانه‌گیری‌هایی که از چپ و راست و دور و نزدیک نسبت به این مولود شریف می‌شود، از اهم واجبات عقلی و شرعی است که هیچ چیز به آن مزاحمت نمی‌کند و از اموری است که احتمال خلل در آن عقلاً منجز است.» (همان، ج ۱۹، ص ۱۵۳)

امام خمینی (ره) رعایت مصلحت نظام را در جمیع امور حکومت از جمله قانونگذاری لازم می‌دانستند. در همین رابطه ضمن تأیید اعضای محترم شورای نگهبان، رعایت مصلحت نظام را یادآوری فرمودند:

«و اما شورای محترم نگهبان که حافظ احکام مقدس اسلام و قانون اساسی هستند، مورد تأیید این جانب می‌باشند. وظیفه آنان بسیار مقدس و مهم است و باید با قاطعیت به وظایف خود عمل نمایند. البته توجه به اهمیت حفظ نظام جمهوری دارند که با آن هیچ حکم و امری مزاحمت نمی‌کند و برای حفظ آن از هیچ کوششی نباید مضایقه کرد...» (همان، ص ۱۵۵).

و در نهایت امام (ره) در فرمان تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام فرمودند:

«حضرات آقایان توجه داشته باشند که مصلحت نظام از امور مهمه‌ای است که گاهی غفلت از آن موجب شکست اسلام عزیز می‌گردد. امروز جهان اسلام نظام جمهوری اسلامی ایران را تابلوی

تمام‌نمای حل معضلات خویش می‌دانند. مصلحت نظام و مردم از امور مهمه‌ای است که مقاومت در مقابل آن ممکن است اسلام پابرهنگان زمین را در زمان‌های دور و نزدیک زیر سؤال برد، و اسلام امریکایی مستکبرین و متکبرین را با پشتوانه میلیاردها دلار توسط ایادی داخل و خارج آنان پیروز گرداند.» (همان، ج ۲۰، ص ۴۶۴-۴۶۵)

از دیدگاه امام (ره) نه تنها مسؤلان نظام باید مصالح نظام را در همه امور رعایت نمایند بلکه توجه به مصلحت نظام و رعایت آن و تابع آن بودن را وظیفه همه مردم می‌داند و به همین دلیل به طلاب و روحانیون توصیه می‌فرماید که این امر را برای مردم توضیح دهند، «طلاب عزیز، ائمه محترم جمعه و جماعات، روزنامه‌ها و رادیو تلویزیون، باید برای مردم این قضیه ساده را روشن کنند که در اسلام مصلحت نظام از مسائلی است که مقدم بر هر چیز است، و همه باید تابع آن باشیم» (همان، ج ۲۱، ص ۳۳۵).

اما منظور از مصلحت نظام در بیانات امام (ره) چیست؟ آیا در دیدگاه ایشان بین مصلحت نظام جمهوری اسلامی ایران و مصلحت اسلام تمایزی وجود دارد؟

نظر به این که امام (ره) اسلام را به صورت جامع آن ملاحظه می‌کردند و در دیدگاه ایشان ابعاد سیاسی و حکومتی اسلام از ابعاد مهم اسلام است و با توجه به این که ایشان جمهوری اسلامی را نظامی اسلامی می‌دانستند که تحقق عملی اسلام و پاسداری از اسلام را وجهه همت خود قرار داده است، مصلحت نظام جمهوری اسلامی ایران را امری جدا از مصلحت اسلام نمی‌دانستند و در واقع از دیدگاه ایشان مصلحت نظام جمهوری اسلامی ایران در زمان حاضر بخشی از مصلحت اسلام است. دو مورد از بیانات ایشان که در ذیل آمده است به خوبی این مسئله را نشان می‌دهد:

«حفظ اسلام یک فریضه الهی است، بالاتر از تمام فرایض. یعنی، هیچ فریضه‌ای در اسلام بالاتر از حفظ خود اسلام نیست اگر حفظ اسلام جزء فریضه‌های بزرگ است و بزرگترین فریضه است، بر همه ما و شما و همه ملت و همه روحانیون حفظ این جمهوری اسلامی از اعظم فرایض است» (همان، ج ۱۵، ص ۳۲۹).

«حضرات آقایان توجه داشته باشند که مصلحت نظام از امور مهمه‌ای است که گاهی غفلت از آن موجب شکست اسلام عزیز می‌گردد» (همان، ج ۲۰، ص ۴۶۴).

۲-۴- نقش مصلحت نظام در تصمیمات مهم امام (ره)

از دیدگاه امام (ره)، در تصمیم‌گیریها باید مصلحت کشور و مردم مورد توجه قرار گیرد. ایشان در مصاحبه با خبرنگار نشریه اکسپرس می‌فرماید: «ما پول نفت را برای مصلحت ملت و نه به خاطر تجهیزات نظامی ویران‌کننده خرج خواهیم کرد» (همان، ج ۵، ص ۴۸۸) و «تنها آزادی‌هایی به ملت داده نخواهد شد که بر خلاف مصلحت مردم باشد.» (همان، ج ۵، ص ۴۸۹)

به ویژه امام (ره) در اتخاذ دو مورد از مهم‌ترین و سرنوشت‌سازترین تصمیماتی که اتخاذ نمودند بر لحاظ مصلحت نظام در آنها و ایجاد نمودن مصلحت نظام برای اتخاذ چنین تصمیماتی تأکید نمودند.

ایشان در توضیح ضرورت پذیرش قطعنامه ۵۹۸ می‌فرماید:

«و اما در مورد قبول قطعنامه که حقیقتاً مسئله بسیار تلخ و ناگواری برای همه و خصوصاً برای من بود، این است که من تا چند روز قبل معتقد به همان شیوه دفاع و مواضع اعلام شده در جنگ بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن می‌دیدم، ولی به واسطه حوادث و عواملی که از ذکر آن فعلاً خودداری می‌کنم و به امید خداوند در آینده روشن خواهد شد و با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور، که من به تعهد و دلسوزی و صداقت آنان اعتماد دارم، با قبول قطعنامه و آتش‌بس موافقت نمودم و در مقطع کنونی آن را به مصلحت انقلاب و نظام می‌دانم. و خدا می‌داند که اگر نبود انگیزه‌ای که همه ما و عزت و اعتبار ما باید در مسیر مصلحت اسلام و مسلمین قربانی شود، هرگز راضی به این عمل نمی‌بودم و مرگ و شهادت برایم گوارتر بود.» (همان، ج ۲۱، ص ۹۲)

در همین خصوص امام(ره) در منشور روحانیت می‌فرماید:

«ما در جنگ، برای یک لحظه هم نادم و پشیمان از عملکرد خود نیستیم. راستی مگر فراموش کرده‌ایم که ما برای ادای تکلیف جنگیده‌ایم و نتیجه، فرع آن بوده است. ملت ما تا آن روز که احساس کرد که توان و تکلیف جنگ دارد به وظیفه خود عمل نمود. و خوشا به حال آنان که تا لحظه آخر هم تردید نمودند، آن ساعتی هم که مصلحت بقای انقلاب را در قبول قطعنامه دید و گردن نهاد، باز به وظیفه خود عمل کرده است» (همان، ص ۲۸۴).

چنان که ملاحظه می‌شود امام(ره) مصلحت انقلاب، مصلحت نظام و مصلحت اسلام و مسلمین را به عنوان عاملی می‌داند که توجه به آن و لزوم رعایت آن، پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و آتش‌بس را ایجاب نموده است. نکته مهم این که امام(ره) نه تنها پذیرش قطعنامه را به دلیل مصلحت انقلاب و مصلحت نظام می‌داند بلکه ادامه جنگ و دفاع را هم تا زمان پذیرش قطعنامه، به همین دلیل یعنی ایجاب «مصلحت نظام و کشور و انقلاب» ضروری می‌دانسته‌اند.

تصمیم مهم دیگر در دوره رهبری امام(ره)، کنار گذاشتن قائم مقام رهبری بود. از جمله دلایلی که امام(ره) برای کنار گذاشتن قائم مقام رهبری بیان نموده‌اند، ایجاب نمودن حفظ نظام و اسلام و مصلحت نظام و اسلام است. ایشان در این خصوص خطاب به نمایندگان مجلس شورای اسلامی و وزرا می‌فرماید:

«با سلام، شنیدم در جریان امر حضرت آقای منتظری نیستید و نمی‌دانید قضیه از چه قرار است. همین قدر بدانید که پدر پیرتان بیش از دو سال است در اعلامیه‌ها و پیغام‌ها تمام تلاش خود را نموده است تا قضیه بدین جا ختم نگردد؛ ولی متأسفانه موفق نشد. از طرف دیگر وظیفه شرعی اقتضا می‌کرد تا تصمیم لازم را برای حفظ نظام و اسلام بگیرد. لذا با دلی پر خون حاصل عمرم را برای مصلحت نظام و اسلام کنار گذاشتم. ان شاء الله خواهران و برادران در آینده تا اندازه‌ای روشن خواهند شد. سفارش این موضوع لازم نیست که دفاع از اسلام و نظام شوخی‌بردار نیست و در صورت تخطی، هر کس در

هر موقعیت بلافاصله به مردم معرفی خواهد شد و توفیق همگان را از خداوند متعال خواستارم.»
(همان، ص ۳۵۰)

۳- تشخیص مصلحت نظام از دیدگاه امام (ره)

۳-۱- تشخیص مصلحت شرط لازم برای رهبری

تشخیص مصلحت برای صدور احکام حکومتی، بینش گسترده فقهی، اجتماعی و سیاسی ویژه‌ای را می‌طلبد (عمید زنجانی، ۱۳۸۴، ص ۳۵۸). امام (ره) با وقوف به مسئولیت‌های خطیر رهبری نظام، توانایی تشخیص مصلحت نظام را از شرایط لازم برای رهبر می‌دانستند. ایشان در این خصوص می‌فرمایند:

«لذا در حکومت اسلامی همیشه باید باب اجتهاد باز باشد و طبیعت انقلاب و نظام همواره اقتضا می‌کند که نظرات اجتهادی - فقهی در زمینه‌های مختلف ولو مخالف با یکدیگر آزادانه عرضه شود و کسی توان و حق جلوگیری از آن را ندارد ولی مهم شناخت درست حکومت و جامعه است که بر اساس آن نظام اسلامی بتواند به نفع مسلمانان برنامه‌ریزی کند که وحدت‌رویه و عمل ضروری است و همین جا است که اجتهاد مصطلح در حوزه‌ها کافی نمی‌باشد بلکه یک فرد اگر اعلم در علوم معهود حوزه‌ها هم باشد ولی نتواند مصلحت جامعه را تشخیص دهد و یا نتواند افراد صالح و مفید را از افراد ناصالح تشخیص دهد و به طور کلی در زمینه اجتماعی و سیاسی فاقد بینش صحیح و قدرت تصمیم‌گیری باشد، این فرد در مسائل اجتماعی و حکومتی مجتهد نیست و نمی‌تواند زمام جامعه را به دست گیرد.» (همان، ج ۲۱، ص ۱۷۷-۱۷۸)

۳-۲- مرجع تشخیص مصلحت نظام

مرجع تشخیص مصلحت نظام برای صدور احکام حکومتی فقیه حاکم است. امام خمینی (ره) در خصوص این که مرجع تشخیص مصلحت حاکم اسلامی است می‌فرماید:

«تمام برنامه‌هایی که در زمینه زمامداری جامعه و شئون و لوازم آن، جهت رفع نیازهای مردم به اجرا در می‌آید، باید بر اساس قوانین الهی باشد. این اصل کلی، حتی در مورد اطاعت از زمامداران و متصدیان امر حکومت نیز جاری و ساری است. بلی، این نکته را باید بیفزاییم که حاکم جامعه اسلامی می‌تواند در موضوعات، بنا بر مصالح کلی مسلمانان یا بر طبق مصالح افراد حوزه حکومت خود، عمل کند. این اختیار هرگز استبداد به رأی نیست؛ بلکه در این امر مصلحت اسلام و مسلمین منظور شده است. پس، اندیشه حاکم جامعه اسلامی نیز همچون عمل او، تابع مصالح اسلام و مسلمین است.»
(امام خمینی، ۱۳۶۹، ص ۲۱)

البته از حدود اختیاراتی که امام (ره) برای ولی فقیه قائل بوده‌اند نیز مشخص است که مرجع تشخیص مصلحت در نظام اسلامی ولی فقیه است.

۳-۳- امکان رجوع به کارشناسان و تفویض اختیار تشخیص مصلحت نظام

از آنجا که فقیه حاکم اگر در تشخیص مصلحت عمومی در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بر معلومات و آگاهی‌های شخصی خود متکی باشد باید بر همه امور و واقعیت‌های موجود جامعه در همه زمینه‌ها واقف و مطلع باشد و عملاً چنین انتظاری قابل قبول نیست، در نتیجه فقیه حاکم از نظر کارشناسان و متخصصان مربوط نیز استفاده می‌کند (عمیدزنجانی، ۱۳۸۴، ص ۳۵۸). به همین دلیل امام (ره) در چنین مواردی از نظر کارشناسان و متخصصان استفاده می‌کردند. ایشان در پیام خود به ملت ایران در خصوص پذیرش قطعنامه ۵۹۸ می‌فرماید:

«من تا چند روز قبل معتقد به همان شیوه دفاع و مواضع اعلام شده در جنگ بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن می‌دیدم؛ ولی ... با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور، که من به تعهد و دلسوزی و صداقت آنان اعتماد دارم، با قبول قطعنامه و آتش‌بس موافقت نمودم و در مقطع کنونی آن را به مصلحت انقلاب و نظام می‌دانم» (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۹۲).

از دیدگاه امام (ره) واگذاری تشخیص مصلحت به مرجع دیگری (کارشناسان و ...) نیز امکان‌پذیر است و ایشان در جریان اختلاف نظرهای بین مجلس و شورای نگهبان در خصوص برخی قوانین این امر را بر عهده نمایندگان مجلس و سپس مجمع تشخیص مصلحت نظام گذاشتند.

۳-۴- نهاده شدن تشخیص مصلحت از سوی امام (ره)

اهمیت مصلحت نظام در اندیشه حکومتی امام (ره) و تجربیات عملی حل و فصل معضلات نظام جمهوری اسلامی سبب شد که حضرت امام (ره) در اواخر سال ۱۳۶۶ رسماً مرجعی را برای تشخیص مصلحت نظام تأسیس نمایند. متن فرمان مورخ ۱۳۶۶/۱۱/۱۷ امام خمینی (ره) در خصوص تأسیس مجمع تشخیص مصلحت نظام به شرح ذیل است:

«بسم الله الرحمن الرحيم. گرچه به نظر این جانب پس از طی این مراحل زیر نظر کارشناسان که در تشخیص این امور مرجع هستند، احتیاج به این مرحله نیست، لکن برای غایت احتیاط، در صورتی که بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان شرعاً و قانوناً توافق حاصل نشود، مجمعی مرکب از فقهای محترم شورای نگهبان و حضرات حجج اسلام [آقایان] خامنه‌ای، هاشمی، اردبیلی، توسلی، موسوی خوئینی‌ها و جناب آقای میرحسین موسوی و وزیر مربوط برای تشخیص مصلحت نظام اسلامی تشکیل گردد و در صورت لزوم از کارشناسان دیگری هم دعوت به عمل آید و پس از مشورت‌های لازم، رأی اکثریت اعضای حاضر این مجمع، مورد عمل قرار گیرد. احمد در این مجمع شرکت می‌نماید تا گزارش جلسات به اینجانب سریع‌تر برسد.

حضرات آقایان توجه داشته باشند که مصلحت نظام از امور مهمه‌ای است که گاهی غفلت از آن موجب شکست اسلام عزیز می‌گردد. امروز جهان اسلام نظام جمهوری اسلامی ایران را تابلوی تمام‌نمای حل معضلات خویش می‌دانند. مصلحت نظام و مردم از امور مهمه‌ای است که مقاومت در

مقابل آن ممکن است اسلام پابرهنگان زمین را در زمان‌های دور و نزدیک زیر سؤال برد، و اسلام امریکایی مستکبرین و متکبرین را با پشتوانه میلیاردها دلار توسط ایادی داخل وخارج آنان پیروز گرداند. از خدای متعال می‌خواهم تا در این مرحله حساس آقایان را کمک فرماید.» (صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۴۶۴-۴۶۵)

اگرچه این مجمع بیش‌تر به دلیل عدم توافق مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان در خصوص مطابقت مصوبات مجلس با احکام اسلام و موازین قانون اساسی ایجاد گردید، اما عملاً تبدیل به مرجعی برای تصمیم‌گیری و طرف مشورت قرار گرفتن در موضوعات مختلف گردید. از جمله این که امام (ره) در تاریخ ۶۷/۶/۱۵ در پاسخ به استعفای نخست وزیر تصمیم‌گیری در خصوص تعزیرات حکومتی را بر عهده مجمع تشخیص مصلحت نظام گذاشتند و فرمودند: «تعزیرات از این پس در اختیار مجمع تشخیص مصلحت است، که اگر صلاح بداند به هر میزان که مایل باشد در اختیار دولت قرار خواهد داد.» (همان، ج ۲۱، ص ۱۲۳)

در نهایت امام خمینی (ره) که وجود مرجعی را برای تشخیص مصلحت نظام و ارائه مشورت به رهبری ضروری یافته بودند در فرمان خود برای بازنگری قانون اساسی، ششمین محوری که برای بازنگری مشخص نمودند «مجمع تشخیص مصلحت برای حل معضلات نظام و مشورت رهبری به صورتی که قدرتی در عرض قوای دیگر نباشد» (همان، ص ۳۶۴) بود. در اجرای فرمان امام (ره) مجمع تشخیص مصلحت نظام در بازنگری قانون اساسی در قالب قانون اساسی وارد گردید و اصل یکصد و دوازدهم به شرح ذیل به آن اختصاص یافت: مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام نظر شورای نگهبان را تأمین نکند و مشاوره در اموری که رهبری به آنان ارجاع می‌دهد و سایر وظایفی که در این قانون ذکر شده است به دستور رهبری تشکیل می‌شود. اعضاء ثابت و متغیر این مجمع را مقام رهبری تعیین می‌نماید. مقررات مربوط به مجمع توسط خود اعضاء تهیه و تصویب و به تأیید مقام رهبری خواهد رسید.

نتیجه‌گیری

امام خمینی (ره) به عنوان تنها فقیهی که تا زمان خود توفیق تشکیل حکومتی بر مبنای آموزه‌های اسلام را یافت، در نظر و عمل قائل به لزوم توجه به عنصر کلیدی مصلحت در اتخاذ تصمیمات فردی و اجتماعی بود. در این میان ایشان مصلحت نظام و اجتماع را بر مصالح فردی مقدم می‌دانستند و توجه ویژه‌ای به مصلحت نظام و اسلام داشتند و معتقد بودند که چیزی نمی‌تواند با آن برابری نماید. امام (ره) با قائل بودن به ولایت فقیه، در درجه اول تشخیص مصلحت نظام را از شئون و اختیارات ولی فقیه می‌دانستند و به همین دلیل هم توانایی تشخیص مصلحت را از جمله شرایط لازم برای رهبری می‌دانستند. اما در عین حال واقعیت‌های موجود و پیچیدگی‌های امور جوامع را نیز در نظر داشتند و استفاده از کارشناسان برای تشخیص مصلحت را امکان‌پذیر می‌دانستند و در همین خصوص حتی واگذاری تشخیص مصلحت به مجموعه‌ای از کارشناسان را

بلامانع و شاید ضروری می‌دانستند. از همین منظر ایشان مجمع تشخیص مصلحت نظام را تأسیس نمودند و فرمان قرار گرفتن آن در قانون اساسی در زمان بازنگری را صادر کردند.

امام (ره) همواره ضمن توصیه آحاد جامعه به رعایت مصالح نظام و اسلام، خود در طی زندگی سیاسی خویش بر رعایت مصلحت نظام توجه داشتند. استناد ایشان به ایجاب نمودن مصلحت نظام، انقلاب و اسلام، در اتخاذ تصمیمات مهمی نظیر پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و کنار گذاشتن قائم مقام رهبری و همچنین صدور فرمان تأسیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، مؤید این امر است.

آنچه بیان شد ما را به این نتیجه می‌رساند که مصلحت نظام جایگاه خطیری در اندیشه حکومتی امام خمینی (ره) داشته و از کلیدی‌ترین عناصری است که در تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات ایشان نقش داشته است. بنابراین برای تحلیل، فهم و شناخت صحیح تصمیم‌ها و اقدامات امام (ره) توجه به این امر ضروری است.

Archive of SID

منابع

- احمدی، علی، (۱۳۸۳) مجمع تشخیص مصلحت نظام (بررسی سیاسی، حقوقی، جایگاه، ساختار و کار کارکردها)، چاپ اول، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ارسطا، محمدجواد، (۱۳۸۰) تشخیص مصلحت نظام از دیدگاه فقهی - حقوقی، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- ارسطا، محمد جواد، (۱۳۷۸) «حدود اختیارات ولی فقیه»، امام خمینی و حکومت اسلامی شرایط، وظایف و اختیارات ولایت فقیه، (مجموعه مقالات کنگره امام خمینی و اندیشه حکومت اسلامی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- بوطی، محمدسعید رمضان، (۱۳۸۳) مصلحت و شریعت: مبانی، ضوابط و جایگاه مصلحت در اسلام، ترجمه اصغر افتخاری، تهران، گام نو.
- تقوی، سیدمحمدناصر، (۱۳۷۸) حکومت و مصلحت، تهران، امیر کبیر.
- جمشیدی، محمدحسین، (۱۳۸۵) اندیشه سیاسی امام خمینی (س)، چاپ اول، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- خمینی، روح الله، (۱۳۶۹) شئون و اختیارات ولی فقیه، ترجمه مبحث ولایت فقیه از کتاب البیع، چاپ دوم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- -----، (۱۳۸۵) ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، چاپ سیزدهم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- شریعتی، محمدصادق، (۱۳۸۰) بررسی فقهی و حقوقی مجمع تشخیص مصلحت نظام، چاپ اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- صحیفه امام (مجموعه ۲۲ جلدی بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)، (۱۳۸۵)، چاپ چهارم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- صرامی، سیف الله، (۱۳۸۰) احکام حکومتی و مصلحت، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام. نشر عبیر.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷) لغت نامه دهخدا، چاپ دوم از دور جدید، تهران، دانشگاه تهران.
- عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۸۴) فقه سیاسی، قواعد فقه سیاسی (مصلحت)، تهران، امیرکبیر.
- عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۸۵) حقوق اساسی ایران، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- کلانتری، علی اکبر، (۱۳۷۸) حکم ثانوی در تشریح اسلامی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری، (۱۳۸۶) مجموعه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران.

- معین، محمد، (۱۳۸۲) فرهنگ فارسی، چاپ بیستم، تهران، امیر کبیر.
- مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، (۱۳۸۴) حکومت اسلامی و ولایت فقیه در اندیشه امام خمینی (س)، تبیان، چاپ دوم، تهران، عروج، دفتر چهل و پنجم.
- مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، (۱۳۷۸) امام خمینی و حکومت اسلامی، (مآخذشناسی اندیشه سیاسی امام خمینی)، از مجموعه آثار کنگره امام خمینی (ره) و اندیشه حکومت اسلامی، تهران.
- منصورنژاد، محمد، (۱۳۷۸) «طرح مصلحت در اندیشه امام خمینی و تحلیلی بر آن»، احکام حکومتی و مصلحت، مجموعه آثار کنگره امام خمینی و اندیشه حکومت اسلامی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- مهرپور، حسین، (۱۳۷۲) دیدگاه‌های جدید در مسائل حقوقی، تهران، اطلاعات.

Archive of SID